

آخرین رئیس جمهور اصلاح طلب؟

از پیش از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ تاکنون، یکی از نیرومندترین جریان‌های حامی آقای سیدمحمد خاتمی و برنامه‌های ایشان، جنبش دانشجویی کشور بوده است. با توجه به تحولاتی که در ۵ سال گذشته رخ داده، طبیعی است در دیدگاه‌های فعالان این جنبش نیز تغییراتی ایجاد شده باشد. این تغییرات را می‌توان از خلال نوشته‌های دانشجویان، بهتر و روشن‌تر استنباط و درک کرد. نوشته زیر که از آخرین شماره نشریه دانشجویی "سحر" (نشریه دانشجویان دانشگاه علم و صنعت) برگرفته شده، نگاه نقادانه یک دانشجو به عملکرد جناح راست و چپ و آینده سیاسی آقای خاتمی را بازتاب می‌دهد:

اینک می‌خواستند با عقل خود آن را اصلاح کنند. چرا که تقریباً اکثر حکومت‌های بعد از انقلاب، بدون اصلاحات ثانوی، به حکومت مردمی نرسیده‌اند.

در پروسه اصلاحات چند مهم باید صورت گیرد: یکی مشروعیت بخشیدن به حاکمان و نظام سیاسی از طریق مبنابودن رأی مردم، دوم مقبولیت نظام سیاسی و سوم تقدس‌زدایی از صاحبان قدرت و فراهم آمدن زمینه و شرایط نقد آنان به طوری که "زمینی بودن" قدرت از سوی همگان پذیرفته شود.

به هر حال، از زمان روی کار آمدن سیدمحمد خاتمی گرچه اصلاحات مورد نظر ملت سرعتی لاک پشتی داشته و حتی در مقاطعی متوقف

اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه ابتدا رد صلاحیت شدند که نهایتاً با مقاومت‌هایی که اقلیت آن روز مجلس در مقابل آن نشان داد، اعتقاد به ولایت مطلقه با نوشتن چند کلمه‌ای روی کاغذ برای شورای نگهبان محرز گشت!

به هر حال، سیدمحمد خاتمی در انتخابات خرداد ۷۶ با وعده اصلاحات پیروز گشت و ملت بعد از آنکه توسعه اقتصادی مطرح شده توسط علی اکبر هاشمی رفسنجانی را سراب یافت، این بار بخت خود را در توسعه سیاسی و اصلاح ساختار سیاسی کشور آزمود. این بدان دلیل بود که ساختار قدرت به هیچ وجه قادر به پاسخ‌گویی مطالبات مردم نبود. مردمی که بیشترین نقش را در انقلاب بهمن ۵۷ داشتند،

راست حاکمیت در حالی که نامزد مورد حمایت خود را پیروز انتخابات دور هفتم ریاست جمهوری می‌دید، به منظور دمکراتیک نشان دادن انتخابات و حضور گرایش‌های مختلف سیاسی در عرصه انتخابات، صلاحیت سیدمحمد خاتمی را تأیید نمود.

از زمان اعمال نظارت استصوابی از سوی شورای نگهبان، این بزرگ‌ترین ریسک و اشتباه از سوی این شورا بود. چرا که در انتخابات بعد از آن (شوراها، مجلس، خبرگان رهبری، ریاست جمهوری) دیگر هیچ‌گاه شورای نگهبان دست به ریسک نزد و در انتخابات مختلف، همواره عده‌ای به بهانه‌های واهی از شرکت در انتخابات محروم شدند. در انتخابات شوراها در شهر تهران عده‌ای منجمله عبدالله نوری به دلیل عدم

(که البته تشتت در میان اصلاح طلبان در این مورد آشکار می شود. در حالی که ریاست مجلس معتقد است که مصوبه مجمع تشخیص مصلحت، نظر مجلس را تأمین کرده، نایب رییس مجلس، مصوبه این مجمع را نظر قوه قضاییه می داند.) در صورت ادامه روند فعلی، هیچ اصلاح طلب واقعی در عرصه انتخابات دوره نهم حضور نخواهد داشت و نهایت لطف از سوی جریان انحصار طلب، تأیید یک اصلاح طلب محافظه کار خواهد بود و این برای جریان اصلاح طلبی که بعد از هشت سال ریاست جمهوری خاتمی به شخصی جلوتر از وی نیاز دارد، یک شکست محسوب می گردد.

واضح است که همه این اقدامات و سوءاستفاده از نهادهای تحت امر و بحرانی کردن رقابت سیاسی، برای برچیدن بساط اصلاحات صورت می گیرد و متأسفانه بیم دادن در مورد نتایج و عواقب این اعمال برای کل ساختار سیاسی، گوش شنوایی در میان مجریان پروژه بحران سازی ندارد.

بساط اصلاحات را نمی توان برچید. این اندیشه در این کشور به خصوص در میان نسل جوان، ریشه دوانده و اگر حاکمیت نتواند پاسخگویی مطالبات آنان باشد، راه های جدیدی را برای عملیاتی کردن آن خواهند یافت.

مهدی حبیبی

و به حضور خاتمی رضایت داد. در حقیقت در شرایط کنونی، خاتمی مناسب ترین گزینه برای آنان است چرا که از تمامی امتیازات داخلی و خارجی که خاتمی برای حاکمیت آورده بهره مند شده ولی هیچ چراغ سبزی به وی برای انجام اصلاحات اصولی نشان نداده اند و این چیزی

**در پروسه اصلاحات باید
تقدس زدایی از صاحبان قدرت
صورت گیرد و زمینه نقد آنان
فراهم گردد، به طوری که
"زمینی بودن" قدرت از سوی
همگان پذیرفته شود**

است که چپ حاکمیت از فهمیدن آن عاجز است. مطالعه اوضاع امروز ایران و جهان نشان می دهد که حذف مجموعه اصلاح طلبان از قدرت به نفع حاکمیت نیست لذا سرکوب این جریان خواست جریان اقتدارگر نیست منتها با طرح مسایلی چون اصلاحات اقتصادی سعی در منحرف کردن مسیر آن دارند و از آنجا که مهم ترین مانع در استحاله اصلاحات را جریان رادیکال اصلاح طلب می داند با اهرم های قدرتی (از قبیل قوه قضاییه) که در اختیار دارد، با طرح اتهاماتی همچون "برانداز" آنان را در موقعیت انفعال قرار می دهد. از طرفی به این نکته نیز به خوبی واقفند که در چارچوب براندازی نظام، چپ حاکمیت بیش از جناح راست متضرر خواهد شد.

با این اوصاف، انتخابات دوره بعدی وضعیتی متفاوت خواهد داشت. محمد خاتمی دو دوره ریاست جمهوری خود را به اتمام رسانده و دیگر نمی تواند در انتخابات شرکت کند. بنابراین میدان عمل برای شورای نگهبان باز می باشد. مقاومت کل جریان اقتدارگر در تعیین حقوق دانان شورای نگهبان مبین این نکته است که این جریان، شورای نگهبان را آخرین امید خود برای حضور در قدرت می داند.

گردیده است، ولی باز اقتدارگرایان تحمل همین اندک فضای باز به وجود آمده در کشور را نداشته و با آن به مبارزه برخاسته اند. دستگیری فعالان سیاسی، بستن مطبوعات علی رغم نظر اکثریت قریب به اتفاق حقوق دانان و خواست افکار عمومی از جمله سنگ اندازی های این گروه در مسیر اصلاحات بوده است.

اما مهم ترین حربه جریان اقتدارگر اعمال نظارت استصوابی قبل از ورود به نهادهای دمکراتیک! نظام بود که اساس جمهوریت نظام را زیر سؤال می برد.

از طرف دیگر، چپ حاکمیت با وجود در اختیار داشتن اهرم های قدرت از قبیل قوه مقننه، مجریه و پتانسیل بسیار بالای افکار عمومی، در مقابل این گونه اعمال سلیقه ها، عمل درخور توجیهی انجام نداده و به نظر می رسد چپ حاکمیت از اعمال نظارت استصوابی توسط شورای نگهبان ناراضی نیست و در واقع به دلیل بهره برداری تبلیغاتی از آن بیشترین سود متوجه آنان است. گرچه عده ای معدود از این جناح نیز نتوانسته اند از دم تیغ نظارت استصوابی عبور کنند ولی همواره این جناح افراد جایگزینی در عرصه انتخابات داشته است و به نظر می رسد از چهره های رادیکال خود برای مانور دادن استفاده می نماید. قربانی اصلی، نیروهای بیرون حاکمیت بوده اند.

از طرف دیگر، چپ حاکمیت به خوبی به این نکته واقف است که اصلاحات را تا مرز دلخواه خود، پیش برد و جلوتر نرود چرا که پیشروی بیشتر، منجر به حذف آنان از عرصه قدرت می گردد. به عبارتی دیگر در اصلاح طلبی شایبه ای از فرصت طلبی دیده می شود. همچنان که مایو می گوید اگر نیروی انقلابی یک شعار چپ روانه مطرح کند و بعد به دلیل نداشتن سازمان دهی متناسب، نتواند نیروهایش را در مقابل هجوم دشمن حفظ کند، به اپورتونیسیم تشکیلاتی دچار شده است.

آن چه اهمیت طرح مسایل بالا را دو چندان می نماید، انتخابات دوره بعدی ریاست جمهوری است. از آنجا که راست حاکمیت در انتخابات دور اخیر ریاست جمهوری هیچ چهره قابل بحثی که بتواند افکار عمومی را جذب کند، نداشت لذا از خاتمی تا سرحد امکان امتیاز گرفت